

خسارت در سیستم‌های حقوقی قدیم و جدید

موضوع مقاله را در چهار بخش بشرح آتی باستحضار خوانندگان عزیز میرساند:
بخش اول - خسارت در سیستم‌های حقوقی قدیم
بخش دوم - تحول اساسی و مهم در میزان خسارت قابل مطالبه، پیدایش
نظریه تازه تغییر بنیادهای اجرای تعهد
بخش سوم - سابقه تاریخی و کیفیت تکوین نظریه تغییر بنیادهای اجرای
تعهد

بخش چهارم - اصلاحی کوچک در سیستم اجرای تعهد
مقدمه - همانطوریکه از عنوان مقاله و سر فصل‌ها بر میآید نظر نگارنده
از توضیح و تشریح خسارت در سیستم‌های مختلف حقوقی بحث از عناصر و شرایطی
که با تحقق آنها متعهد بتأدیة خسارت ملزم میگردد نیست چه اینموضوع در کتب
ورسالات مختلفه حقوق بکرات مورد بحث قرار گرفته و اساتید معظم در این قسمت
بعدکفایت سخن گفته و توضیح داده‌اند بلکه غرض نویسنده مقایسه سیستم‌های
حقوقی مختلفی است که در طریق وصول خسارت ناشی از عدم اجرای تعهدات
مبنی و اساس تشخیص قرار میگیرند

بعبارت ساده‌تر آنچه از بحث خسارات ناشی از عدم اجرای تعهدات قرار-
دادی در این مقاله مورد بحث میباشد حدود ودایره تفسیر «بیگانه بودن علت اجرای
تعهد» از متعهد و تغییر و تحولی است که این علت در طول زندگی قضائی جوامع
مختلف در شکل‌تورها و نظریات جدید بخود گرفته و نهایتاً تشریح امتیاز و رجحانی
است که این تئوری‌ها و نظرات بر تئوری‌های کهنه و قدیمی دارند بنابراین بحث

ماز لحاظ تأسیسات حقوقی بر محور ماده ۲۲۷ قانون مدنی کشور خودمان و ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه - که ماده ۲۲۷ از آن ترجمه شده - دور میزند اکنون با فراغت از مقدمه بتوضیح و تشریح موضوع میپردازد

بخش اول - خسارت در سیستم‌های حقوقی قدیم

سیستم‌های حقوقی قدیم، در گروه حقوق نوشته، که سردهسته آنها حقوق فرانسه میباشد و قوانین ما بیشتر از حقوق آن کشور اقتباس و درمانحرفیه قانون مربوطه حتی از قانون مدنی آن مملکت ترجمه شده است مسأله خسارات ناشی از عدم اجرای تعهدات قراردادی را با جمود و خشکی و با ادراکاتی که متناسب با انعکاس عوامل اقتصادی عصر خود و شاید اعصار قبلی بوده حل کرده‌اند باین توضیح که در سیستم‌های مذکور یا متعهد ممتنع بکلی معاف از تأدیة خسارت میگردد و یا میبایست خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را بمر مبلغ ولو به قیمت خانه‌خرابی و ویرانی زندگی خویش بمتعهد له بپردازد و شق سوم یا راه حل تعدیل شده ثالث ندارد ولیکن در سیستم‌های حقوقی جدید و مدرن راه حل سوم و تعدیل‌شده‌ای بوجود آمده که در بخش دوم گفته خواهد شد.

سیستم‌های حقوقی قدیم تماماً موانع اجرای تعهد را تقریباً بیک شکل مطالعه و بررسی و ادراک میکنند، اساس فکری همگی آنها واحد و همانند است النهایه بعضی آنها بصورت «علت خارجی» - عده‌ای بشکل «فرس‌ماژور» آن مانع را توجیه کرده‌اند چنانکه:

الف - ماده ۲۲۷ قانون مدنی ما چنین میگوید:

«متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم بتأدیة خسارت میشود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام بواسطه علت خارجی بوده است که نمیتوان مربوط باو نمود»
ب- ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه حکم متعهد ممتنع را بهنگام فورس‌ماژور اینطور اشعار مینماید:

«هنگام فورس‌ماژور یا حوادث غیر مترقبه که متعهد نتواند تعهد خود را انجام دهد هیچگونه خسارت یا فوت منفعتی پیش نمیآید...»^۱

پ- و نیز ذیل ماده ۱۱۴۷ همان قانون حکم «علت خارجی» را چنین توضیح میدهد:

«... اگر متعهد نتواند ثابت کند که عدم اجرای تعهد ناشی از علت خارجی بوده که نمیتوان باو مربوط نمود...»^۲

با آنکه در قانون مدنی فرانسه مانع اجرای تعهد هم به بیان «علت خارجی»

1) Il n'y a lieu à aucuns dommages et intérêts lorsque, par suite d'une force majeure ou d'un cas fortuit, le debiteur a été empêché de donner ou de faire ce à quoi il était obligé...

2) ... il ne justifie pas que l'inexécution provient d'une cause étrangere qui ne peut lui être imputée...

وهم بعبارت «فورس ماژور» و در قانون مدنی ما این مانع فقط به «علت خارجی» توجیه گردیده معذک طرز تلقی حقوقدانان و محاکم ما از فورس ماژور و علت خارجی عیناً مساوی و مشابه حقوقدانان و محاکم فرانسه میباشد و این ادراک از جانب محاکم و حقوقدانان ما کاملاً بجا و منطقی است زیرا اولاً مطابق آنچه خوانندگان گرامی ملاحظه مینمایند ماده ۲۲۷ قانون مدنی ما عیناً ترجمه بی کم و کاست ذیل ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه میباشد ثانیاً حقوقدانان فرانسه و محاکم آن علت خارجی و حوادث غیر مترقبه و فورس ماژور را حداقل در عمل دارای مفهوم واحد دانسته اند چنانکه ژان کربنیه حقوقدان فرانسه در کتاب تئوری تعهدات خود در صفحه ۲۸۰ چنین میگوید:

«... دو اصطلاح فورس ماژور و اتفاق غیر مترقبه در عمل مترادف و معادل

هستند...»^۳

باید دانست که با آنکه در حقوق فرانسه فورس ماژور و اتفاق غیر مترقبه برای دو مورد مختلف بکار رفته اولی برای مواردیکه علت مطلقاً از تعهد بیگانه میباشد مانند جنگ و زلزله و امثال آنها و دومی در موردیکه حادثه در داخل دستگاه شخصی متعهد یا مؤسسه اقتصادی او روی میدهد مانند آتش سوزی و سقوط وسایل حمل و نقل و غیره و حتی قانون ۱۹ آوریل ۱۸۹۸ مربوط بحوادث کار این تفکیک را بکار بسته معذک رویه قضائی فرانسه این تفکیک را قبول نکرده است^۴ با نهایت معذرت کمی از موضوع دور شدیم سخن بر سر این مطلب بود که در سیستم های حقوقی قدیم هرگاه مانع اجرای تعهد در حد فورس ماژور نباشد متعهد بمرقیمت و با هر خانه خرابی که باشد میبایست تعهد خود را انجام دهد. در این سیستم ها فورس ماژور چنان خشک و مضیق تفسیر میشود که حتی حقوقدانان این کشورها با وجود تعصباتی که بحقوق ملی خود داشته اند نتوانسته اند خشکی و جمود و بهتر بگوییم خشونت حقوق ملی خویش را کتمان کنند چنانکه:

الف - ژان کربنیه حقوقدان فرانسه استاد دانشگاه پاریس در کتاب تئوری تعهدات خویش بعد از توضیح و تشریح اینکه فورس ماژور باید متصف به سه وصف غیر قابل مقاومت و غیر قابل پیش بینی و بیگانه از متعهد باشد در توجیه غیر قابل مقاومت میگوید:

«هر گاه متعهد بتواند با انجام مقداری کار اضافی یا مبلغی وجه بر مانع فائق آید مکلف است که تعهد را انجام دهد» و سپس بدون آنکه گوینده را معرفی کند قولی را ذکر میکنند که بموجب آن هرگاه اجرای تعهد از حیث مبلغ هزینه سنگین باشد باز هم فورس ماژور مصداق نمی یابد

3) La notion de force majeure ou de cas fortuit (les deux expressions sont pratiquement synonymes)...

۴) رجوع شود به صفحه ۲۸۴ پاراگراف دوم کتاب تئوری تعهدات ژان کربنیه و صفحه ۲۳۳ پاراگراف اول جلد دوم کتاب خلاصه حقوق مدنی ژولیو مراندیه

در همین جاست که حقوقدان مذکور دیوان کشور فرانسه را از این نقطه نظر فوق‌العاده غیر قابل انعطاف و خشک معرفی میکنند.^۵

و در صفحه ۲۸۶ کتاب مذکور چنین ادامه میدهد:
«متعهدله نمیتواند از متعهد تقاضا کند که در راه اجرای تعهد خود کشتی کند اما او میتواند تقاضا کند که خود را خانه‌خراب گرداند چه زخم پول مرگ آورنیست»^۶

ب - ژولیو مراندیه حقوقدان دیگر فرانسه که او هم استاد دانشگاه پاریس میباشد در صفحه ۲۳۴ جلد دوم کتاب خلاصه حقوق مدنی خود چنین مینویسد:
«استقرار و استحکام قرار داد برای رویه قضائی ما آن اصل اساسی است که متعهد مکلف باقی میماند و باید تعهدش را انجام دهد ولو بسبب اجرای تعهد خانه‌خراب شود»^۷

و در صفحه ۲۳۳ همان کتاب مؤلف ارجمند بعد از اینکه از شرط مربوط نبودن مانع اجرای تعهد بخطای متعهد (خطای بدون قصد) سخن میگوید میدان عمل رویه قضائی فرانسه را اینطور تعریف میکند:

«رویه قضائی در این قسمت خیلی دورتر رفته تا جاییکه هر گاه عدم اجرای تعهد ناشی از عیب وسیله‌ای باشد که برای اجرای تعهد بکار رفته باز هم فورس ماژور مصداق پیدا نمیکند»^۸

بشرحی که توضیح شد محاکم فرانسه و بالضروره دادگاههای ما فورس ماژور یا علت خارجی را چنان محدود و مضیق تفسیر کرده‌اند که براساس آن تحمیل هرگونه ناروایی و ستمکاری بر متعهد جایز میگردد فی‌المثل محاکم فرانسه جنگ را از نقطه نظر فورس ماژور بدو قسمت کرده‌اند حالت جنگی و جنگ بالفعل و با آنکه حالت جنگ تمام عوارض و نارسایمهای جنگ بالفعل را در بردارد معذک آنرا از مصادیق فورس ماژور نشناخته‌اند و چنین توجیه میکنند که در وضعیت موجود بودن حالت جنگی اجرای تعهدات غیر ممکن نمیگردد بلکه مشکل و یا گران قیمت میشود.

همچنین برای آنکه اعتصاب کیفیت فورس ماژور بیابد نه فقط وقوع آنرا در کارخانه متعهد لازم میدانند بلکه توسعه آنرا بتعدادی از کارخانه‌های همکار او

- 5) Si le débiteur pouvait surmonter l'obstacle en y appliquant une dose supplémentaire de travail ou d'argent, il avait le devoir de le faire.
- 6) Le créancier ne peut demander au débiteur de se tuer pour exécuter, mais il peut lui demander de se ruiner: plaie d'argent n'est pas mortelle.
- 7) La stabilité des contrats a été, pour notre jurisprudence le principe essentiel: Le débiteur reste tenu, devrait-il être Ruine par l'exécution de son obligation.
- 8) La jurisprudence va plus loin et écarte en general la force majeure lorsque l'inexécution provient d'un vice de la chose employée pour l'exécution du contrat.

کافی ندانسته و تنها اعتصاب در مقیاس وسیع آنهم اتفاقی و غیر قابل پیش‌بینی و مجرد از خطای (حتی خطای بدون قصد) کارفرما را مصداق فورس‌ماژور می‌شناسند.

بخش دوم - تحول اساسی و مهم در میزان خسارت قابل مطالبه

پیدایش نظریه تازه تغییر بنیادهای اجرای تعهد

میدانیم که توجیه طرفداران سیستم قدیمی از تأدیه خسارت ولو به قیمت نابودی و خانه‌خرابی متعهد بر اصل آزادی و حاکمیت اراده طرفین قرارداد استوار است و بعقیده آنها همین که متعهد با آزادی کامل تعهدی را قبول کرد به هر قیمت میبایست آنرا انجام دهد.

توجیه این عده برای روزگاران گذشته درست و صحیح و کاملاً منطقی بوده است زیرا در آن ادوار عوامل و وسایل اجرای تعهد یا کاملاً ثابت و بدون تغییر بوده و یا در صورت تحرك سرعت قابل ملاحظه‌ای نداشته است اما در روزگار ما که از یکطرف این وسایل از امروز بفردا تغییر میپذیرند و از طرف دیگر سرعت سیر و شتاب حرکت آنها چنان است که هیچ عالم اقتصاد یا جامعه‌شناس متبحری نمیتواند وضع آتی آنها را پیش‌بینی نماید توجیه آنها نارسا و بی‌یقین میتوان گفت از روح عدالت و انصاف فاصله گرفته است. برای آنکه موضوع بهتر روشن شود وضع يك متعهد را هنگام وقوع عقد تحلیل میکنم:

میدانیم که متعهد به هنگام امضای يك عقد عوامل و وسایل اجرای آن تعهد را در روح و ذهن خود بررسی و از نقطه نظر اقتصادی ارزیابی میکند. تمام این بررسی‌ها و ارزش‌گذاریها در شرایط موجود حین عقد و به نرخ زمان امضای قرارداد و با پورسانتاژ تغییر مختصری انجام میگیرد. خوب حالا اگر دنیای ما دارای چنان مختصاتی شده باشد که این نرخ‌ها از زمان وقوع عقد تا زمان اجرای آن چندین برابر گردیده باشد آیا عدالت و انصاف اجرای این قبیل تعهدات و ضرورتاً خانه‌خرابی متعهد را تجویز میکند؟ با ذکر چند نمونه موضوع روشن میشود.

همانطوریکه میدانیم کشور ما از جمله ممالکی بوده که در بحران جهانی انرژی نه از میزان تولید خود کاسته و نه دچار جنگ و اعتصاب و ناراحتی گردیده و نه هیچگونه حادثه دیگری برای او در این زمان پیش آمده و حتی نرخ مصارف داخلی نفت و بنزین و گازوئیل نیز تغییر نکرده است. اما در همین کشور خودمان نرخ سوخت کشتی در دریا‌های ایران تغییر کرده است.

فرض کنیم در یکی از این انواع سوخت نرخ از ۳۹ دلار به ۲۱۰ دلار رسیده هرگاه شخصی تعهد کرده باشد که ده‌ها میلیون تن از این نوع سوخت به فلان کمپانی کشتی‌رانی متوالیاً یا متناوباً تحویل دهد آیا اجرای این تعهد بانرخ سابق

برای چنین متعددی فوق طاقت بشری نیست؟ این شخص چه خطایی مرتکب شده که میبایست چنین خانه‌خراب گردد آیا او میتواندست وقایعی را که به دنبال آن تحول در بهای انرژی بوجود آمده پیش‌بینی کند؟ آیا توقع چنین پیش‌بینی به مثابه انتظار درایت يك فوق انسان از انسان نیست؟

نمونه دیگری عرض کنم:

قبل از سرایت جنگ دوم به ایران شخصی مقدار زیادی پتو به‌یکی از مؤسسات دولتی میفروشد. جنگ دوم در اروپا همه قیمت‌ها را بالا میبرد، راه‌های آبی‌بسته یا متروک میشود قیمت مواد اولیه ماشین‌آلات و تجهیزات لازم برای اجرای تعهد چند برابر میگردد آیا این شخص هیچ گناهی مرتکب گردیده که با اجرای چنین تعهدی نابود شده است؟

تمام قواعد عقلی و شرعی که بدست داریم حکم میکند که جلو چنین تحمیل خانه‌براندازی باید گرفته شود اطلاق آیه «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» بنظر نگارنده اجازه میدهد که بگوییم چون متعدد تجارت‌کرده و تجارت در شریعت ما محترم و ستوده شده و پیش‌بینی عوامل و تغییرات بعدی فوق طاقت متعدد بوده، بنابراین خواستن تکلیف فوق قدرت بشری از او ناپسند و بالتیجه خانه‌خرابی و نابودی وی دور از موازین انصاف و عدالت است.

این توضیح را اضافه کنم که وقتی در قلمرو اعمال عبادی خداوند توقع عبادت فوق طاقت بشر از بندگان خود نداشته باشد به‌طریق اولی در قلمرو معاملات نباید تکلیف مالایطاق از انسان خواست.

برای آنکه گفته نشود که ضرر جزء طبیعت تجارت و بازرگانی است عرض میکنم که موضوع مورد بحث ما خارج از محدوده ضرر و زیان احتمالی تجارت و بازرگانی اعصار گذشته میباشد. درست است که تجارت گاهی هم ضرر دارد و این ضرر محتمل جزء ذات و طبیعت این‌حرفه است ولیکن در ما نحن فیه اولاً بحث از آنچنان ضرری نیست که عرف بازرگانی از آن احساس و ادراک دارد بلکه سخن برسر ویرانی و خانه‌خرابی متعدد است نه ضرر چند درصد. ثانیاً ضرر مورد قبول عرف تجارت ضرر و زیانی است که درحد قانون عرضه و تقاضا (بسبب کمی یا زیادی مصرف) روی میدهد نه ضرری که بعلمت تغییر عوامل بنیادی اجرای تعهد پیش میآید.

کاملاً بدیهی است که تحمل چنین سنت ظالمانه‌ای نمیتوانست برای همیشه مورد تأیید باشد برای تقدیر در طول تاریخ قضائی جوامع متمدن هر وقت از این نارواییها ولو بطور استثنایی پیش میآمده و متعدد در معرض خانه‌خرابی واقع میشده قضات یا مفتیانی پیدا شده‌اند که باللهام از روح عدالت و انصاف طبیعی بشر مانع خسارت ظلم‌آمیز بر متعدد گردیده‌اند چنانکه:

الف - فقیه بزرگ اسلامی ابن عابدین در زمینه تغییر بنیادهای اجرای

تعهد بعد از تشریح و توضیح انواع معاذیر متعدد چنین نتیجه میگیرد:

«والحاصل ان كل عذر لا يمكن معه استيفاء المعقود عليه الا بضرر يلحقه في نفسه او ماله يثبت له حق الفسخ.»

«نتیجه آنکه بهرجهتی که بهره‌برداری از مورد معامله جز با ضرر مالی یا جانی یکطرف ممکن نباشد حق فسخ برای نامبرده ثابت است.»
محتاج به توضیح میداند که نظریه عذر یا جهت نزد فقهای اسلامی چنان مفهوم گسترده و قابل توسعه‌ای یافته که معظم‌له بعد از آنکه علل وجهات فسخ را در عقد مورد نظر خود (ظاهراً بحث فقیه ارجمند از عقد اجاره بوده است) به بحث میگذارد نتایج بررسی و تحقیق خود را در قاعده کلی مذکور که شامل تمامی عقود و قراردادها میشود بیان و اعلام میکند.

ب - در حقوق انگلوساکسن واقعه جالبی روی داده که مبدأ وضع و استقرار قواعد حقوقی تازه در زمینه خسارت قابل مطالبه گردیده است. مختصر جریان این است که در سال ۱۸۵۴ میلادی دعوی از طرف هدلی علیه باکسندیل طرح میشود در این دعوی هدلی خسارت روز اجرای تعهد را که سنگین و خارج از حدود عدالت و انصاف بوده مطالبه میکرده است. دادگاه بعد از رسیدگی حکمی صادر میکند که اساس وضع و استقرار قواعد حقوقی جالب آتی‌الذکر قرار میگیرد:

۱- خسارت نباید از میزان ضرریکه طبیعه در حدود عدل و منطوق از عدم اجرای تعهد ناشی میشود تجاوز کند.

۲- خسارت نباید از آنچه عقلاً در محاسبه طرفین وقت انعقاد عقد محتمل - الوقوع بوده تجاوز کند.

بعبارت دیگر خسارت عبارت از کیفری نیست که برای متعهد بعلت عدم اجرای تعهد مقرر گردیده باشد بلکه غرض ضرر و زیانی است که بمدعی، بارعایت محاسبه طرفین بهنگام عقد، وارد شده است.

و خلاصه در قاعده مذکور خسارت میبایست متناسب و در حد اخلاص به عقد باشد. بطوریکه ملاحظه میشود در این نظریه قاضی رشید و مبتکر دادگاه اساس قاعده‌ای را که بموجب آن «طرفین يك تعهد نمیبایست بیش از توقع خویش بهنگام وقوع عقد انتظار فایده یا ضرر داشته باشند» بنیاد میکنند^۹

بالاخره خسارت سهمگین و در عین حال قانونی که در آغاز بطور استثنائی و در مقیاس کوچک با فاصله‌های بالنسبه زیاد گاه بیگاه در جوامع بزرگ بر متعهدان تحمیل میگردد رفته رفته در نتیجه توسعه مبادلات و رشد اقتصادی مقیاسی بزرگ و فاصله‌ای کوچک یافته بجوامع کوچک و کوچک‌تر تسری پیدا کرده بصورت موضوع و مسئله^{۱۰} در مقابل فقهاء و حقوقدانان ظاهر گردید و متعاقب آن مانند هر مسئله دیگر اجتماعی مباحثه‌ای حاد و جدالی سخت میان طرفداران و مخالفان توسعه مفاد قاعده فورس‌ماژور یا علت خارجی که موجب اینهمه بی‌عدالتی

(۹) تنظیم عبارت داخل گیومه و عنوان قاعده به آن از نگارنده است.

میگردید برپا شد.

روشن است که هر یک از این دودسته دلایلی در صحت نظرات خود داشته و دارند ولیکن چون ذکر همه این دلایل در این مقاله مقدور نیست لذا با اجازه خوانندگان محترم مختصری از ادله هر یک از دو دسته موافق و مخالف را ذیلاً مینگارند.

قبل از آنکه بذکر دلایل موافقان و مخالفان بپردازم این توضیح رامینخواهم اضافه کنم که مباحثه و مجادله علمی و تئوریکی میان دودسته مذکور موجب پیدایش تئوری تازه‌ای در عالم حقوق گردید این تئوری را فرانسویان بنام «تئوری غیرقابل پیش‌بینی»^{۱۱} و حقوقدانان عرب بنام «نظریه حوادث طاریه» نام‌گذاری ولیکن نگارنده آنرا «نظریه تغییر بنیادهای اجرای تعهد»^{۱۲} نامیده‌ام.

این تئوری در کنار قاعده فورس‌ماژور رفته‌رفته پا بعرصه وجود میگذارد و مانند هر قاعده علمی دیگر چون شرایط عینی در عالم خارج برای خلق و ایجاد آن موجود گردیده بود لاجرم خود را بر حقوقدانان تحمیل کرد.

باید دانست که بین تئوری جدید و قاعده فورس‌ماژور تفاوت‌های متعددی وجود دارد که در خلال مباحث گذشته و آتی توضیح و تشریح گردیده و می‌گردد ولیکن تفاوت مهم آن که نمیتوان بدون اشاره از آن گذشت این است که توسل به فورس‌ماژور اساساً تعهد رامنتهی میسازد و حال آنکه تمسک به نظریه تغییر بنیادها تعهد را مستدام ولی جنبه ظلم‌آمیزی را که تعهد بخود گرفته تعدیل و خسارات حاصله از گرانی عوامل و وسایل اجرای تعهد را به نحوی بین طرفین سرشکن میکند.

(بقیه دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

11) Théorie de l'Imprévision

(۱۲) بنظر ما تئوری مذکور از يك عنصر بادوصفت اساسی تشکیل گردیده است. عنصر مشکل آن عبارت از حادثه طاری و اوصاف اساسی آن غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه و قرتب اجرای تعهد بر حادثه مرقوم میباشد.

حقوقدانان جوامع مختلف هر دسته يك جزء از تعریف نظریه رابعنوان نام آن برگزیده‌اند چنانکه حقوقدانان جوامع عرب نام نظریه مرقوم را «نظریه حوادث طاریه» نهاده‌اند و حقوقدانان فرانسوی «تئوری غیرقابل پیش‌بینی» را برای آن انتخاب کرده‌اند بنظر نگارنده با امتیازی که نام برگزیده حقوقدانان عرب بر حقوقدانان فرانسه دارد (چه حوادث طاری برای نام‌گذاری اصلی‌تر از صفت غیرقابل پیش‌بینی که ضرورتاً تابع حادثه است میباشد) معذک هیچکدام از دو نام علت مستقیم و توجیه کننده مفاد نظریه نیستند و اگرهم چنین باشند عنوان «تغییر بنیادهای اجرای تعهد» که ما برای نظریه مرقوم برگزیده‌ایم بمراتب رساتر و شامل‌تر میباشد زیرا علت مستقیم و آنچه موجب تعدیل در میزان خسارت می‌گردد تغییر بنیادهائی است که اجرای تعهد بهنگام وقوع عقد بر ثبات آن تکیه دارد نه حوادث طاری و عارض که علت دورتر از معلول مورد بحث نظریه مرقوم میباشد.